

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۵

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال اول

مقالات

- تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها
 - تحول قاعده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای
 - مطالعه تطبیقی ماهیت و مبنای مسئولیت متصدیان حمل و نقل
 - استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری
 - راهکار تعقیب متهمان به جنایات جنگی در غزه بر اساس گزارش گلدستون
 - آغاز رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران
 - قلمرو استدلال قیاسی با نقدی بر روش‌شناسی قیاس جزایی در فقه
 - انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران
 - نگرشی تطبیقی بر مالکیت در فقه اسلامی و حقوق غرب
 - اجرای تعهدات بین‌المللی در نظام قضایی ایران: محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها
- موضوع ویژه: جایگاه و کارکرد سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی
- درآمدی بر موضوع ویژه
 - وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران
 - تعامل سازمان‌های غیردولتی با سازمان جهانی تجارت
 - تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد «فیفا»
 - مناسبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی در آیین‌تغییر
 - نقش انجمن‌ها در حمایت حقوقی از معلولان با نگاهی به قضیه «پروش»
 - موانع تشکیل و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی در ایران
- ## نقد و معرفی
- قانون جرایم رایانه‌ای: نوآوری‌ها و کاستی‌ها
 - تحدید حق دادخواهی دانشگاهیان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی!؟
 - نگاهی به تازه‌ترین دادنامه پرونده خون‌های آلوده





تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر حقوق داخلی با تأکید بر عملکرد «فیفا»

امیر مقامی*

چکیده: حضور گسترده سازمان‌های غیردولتی در فعالیتهای گوناگون بین‌المللی سبب بروز برخوردهای اجتناب‌ناپذیر میان منافع آنها و دولت‌ها شده است. از این منظر، تصمیمات فیفا در تعلیق و اخراج برخی فدراسیون‌های عضو، گاه به دخالت فیفا در این کشورها تعبیر شده است. از جمله در سال ۱۳۸۵، فیفا با تعلیق فوتبال ایران خواستار اصلاح اساسنامه فدراسیون فوتبال ایران شد که البته منطبق با قوانین داخلی ایران اما مغایر استانداردهای فیفا بود؛ زیرا دخالت دولت در فوتبال را تجویز می‌کرد و نمونه بارز آن اخراج رئیس فدراسیون فوتبال توسط معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی بود. پیامدهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی این تعلیق سبب شد دولت ایران شرایط فیفا را بپذیرد و اصلاح اساسنامه را در دستور کار خود قرار دهد. اما این سؤال اساسی وجود دارد که آیا اقدام فیفا یک قانون‌گذاری بین‌المللی محسوب می‌شود؟ در پاسخ، به نظر می‌رسد قصد فیفا عدم مداخله دولت‌ها در فوتبال است و نه دخالت فیفا در دولت‌ها. هدف فیفا این است که با استفاده از ابزار افکار عمومی، وضعیت سازمان غیردولتی مربوط که دخالت‌های دولتی را در امور داخلی‌اش برنمی‌تابد، به حالت عادی

بازگرداند. این رفتار را نه می‌توان مداخله یا حرکت سیاسی نامید و نه یک قانون‌گذاری بین‌المللی گرچه نشان از توانایی سازماندهی سازمان‌های غیردولتی و قدرت هماهنگ‌سازی قوانین در سطح جهان دارد.

کلیدواژه‌ها: فیفا، فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی، دولت، دیوان داوری ورزش، سازمان بین‌المللی غیردولتی، دیوان عدالت اداری

۱- مقدمه

صلاحیت تقنینی داخلی و بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی از موضوعات مطرح در مباحث مربوط به «حقوق سازمان‌های بین‌المللی» است. سازمان‌های بین‌المللی که با انعقاد معاهدات میان دولت‌ها تشکیل می‌شوند، بر اساس معاهدات مؤسس خود از صلاحیت تقنینی در دو حوزه درون‌سازمانی (صلاحیت داخلی) و برون‌سازمانی (بین‌المللی) برخوردارند. صلاحیت داخلی سازمان‌ها عمدتاً مربوط به مسائل داخلی، نحوه اداره، بودجه، کارکنان و کارمندان، عضویت یا اخراج دولت‌ها و... است. اینگونه مقررات شباهت زیادی با حقوق داخلی مجامع پارلمانی دارد.^۱ در مقابل، صلاحیت خارجی (بین‌المللی) صلاحیتی است که به موجب آن یک سازمان بین‌المللی مجاز می‌شود تعهدات و تکالیفی برعهده کشورهای عضو (و گاه غیرعضو) قرار دهد و به عبارت دیگر به «ایجاد حقوق بین‌الملل» بپردازد.^۲ در این زمینه می‌توان به مواد ۲۵ و ۴۱ منشور ملل متحد اشاره نمود.^۳ گاهی نیز برخی سازمان‌ها، تصمیمات فنی در حوزه صلاحیت خود اتخاذ می‌کنند که به دلیل اهمیت آن تصمیمات از سوی دولت‌های عضو و حتی غیرعضو رعایت می‌شود، مانند مقررات بهداشتی سازمان جهانی بهداشت یا مقررات هوایی سازمان هواپیمایی کشوری.^۴

در مورد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نیز می‌توان همین مدل را در نظر گرفته و به بررسی

۱. مصطفی تقی‌زاده انصاری، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، قومس، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۱۰۱.

۳. در این مورد، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ نامی‌بیا جالب توجه است. دیوان پس از تحلیل ماده ۲۵ می‌نویسد: «وقتی شورای امنیت، طبق ماده ۲۵ منشور تصمیمی گرفت؛ دولت‌های عضو به‌ویژه اعضای شورای امنیت که علیه این تصمیم رأی داده و اعضای دیگر سازمان ملل متحد که در شورا نمی‌باشند، باید خود را با تصمیم گرفته شده وفق دهند. عدم پذیرش آن منجر به محروم کردن این رکن اصلی (شورای امنیت) در انجام وظایف و صلاحیت‌هایی که از منشور می‌گیرد، می‌شود.» همان، صص ۱۰۴-۱۰۳.

۴. همان، ص ۹۵.

صلاحیت‌های این سازمان‌ها پرداخت. در مورد صلاحیت داخلی، نباید تردید داشت که هر شخصیت حقوقی می‌تواند دارای قواعد و مقررات ویژه خود باشد، به شرطی که با مقررات عالی (مانند قوانین داخلی یا بین‌المللی) مغایر نباشد. اما گسترش روزافزون فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی این پرسش جدی را مطرح ساخته است که این سازمان‌ها چه جایگاهی در وادارکردن دولت‌ها به پذیرش برخی قواعد و هنجارهای حقوقی دارند؟ و آیا اساساً چنین امکانی برای آنها متصور و میسر است؟

در این مقاله تحلیلی که بیشتر مبتنی بر تحلیل‌های نگارنده و تشریح رویدادهاست کوشش می‌شود ضمن تبیین کلیاتی درباره سازمان‌های غیردولتی، شخصیت حقوقی و نقش آنها در حقوق بین‌الملل در بخش نخست، به چالشی که در سال‌های اخیر میان یکی از این سازمان‌ها - فدراسیون بین‌المللی فوتبال که از این پس با نام اختصاری «فیفا» خوانده می‌شود - با دولت ایران در گرفت از زاویه «تأثیر یک سازمان غیردولتی بر حقوق داخلی» پرداخته شود که می‌تواند پرتوی از صلاحیت بین‌المللی احتمالی این سازمان باشد. سعی ما بر آن است که به این پرسش، پاسخ دهیم که آیا حقیقتاً چنین صلاحیتی برای چنین سازمانی وجود دارد؟ در چه صورتی ممکن است یک دولت راضی به نادیده‌انگاشتن حقوق حاکمیتی خود (همچون وضع قوانین و آیین‌نامه‌ها) شود و درخواست‌های یک سازمان غیردولتی را اجابت نماید؟

۲- سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و جایگاه آنها در حقوق بین‌الملل

سازمان غیردولتی^۵ یک سازمان بین‌المللی خصوصی است که به مثابه راهکاری برای همکاری میان گروه‌های ملی خصوصی در امور بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انساندوستانه و فناوری است.^۶ مطابق تعریف مؤسسه حقوق بین‌الملل، «انجمن‌های بین‌المللی شامل گروه‌هایی متشکل از افراد یا تجمع‌هایی هستند که آزادانه و به ابتکار خصوصی ایجاد می‌شوند و بدون قصد سودبری، یک فعالیت بین‌المللی با منفعت عمومی را خارج از هرگونه تعلقات صرفاً داخلی، انجام می‌دهند.»^۷ وجه تمایز اصلی این سازمان‌ها از سازمان‌های بین‌الدولی آن است که به موجب معاهدات بین‌المللی عام به‌وجود نیامده و حاصل ابتکار اشخاص خصوصی هستند و ریشه آنها را باید در اتحادیه‌های بین‌المللی خصوصی دانست که در قرن نوزدهم رشد یافتند و در اوایل

5. Nongovernmental Organization (NGO)

6. The International Relations Dictionary, No. 417.

۷. ابراهیم بیگزاده، «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۲، دی ۱۳۷۹.

قرن نوزدهم به تشکیل «اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی»^۸ در ۱۹۰۷ منجر شد.^۹ دارا بودن یک ارگان دائمی، دربرگرفتن منافع کلیه کشورها و نه تنها منافع کشوری خاص و آزادی عضویت برای کلیه کشورها و اشخاص، سه شرط عضویت در این اتحادیه بود.^{۱۰} در قرن بیستم و به‌خصوص پس از جنگ دوم جهانی سازمان‌های غیردولتی اهمیت بیشتری یافتند. پیش از این، اصل ۲۴ میثاق جامعه ملل اشاره‌ای کلی به سازمان‌های غیردولتی داشت؛ اما بعداً شورای جامعه تصمیم گرفت سازمان‌های غیردولتی را از شمول این ماده خارج کند.^{۱۱} سپس در ماده ۷۱ منشور ملل متحد مستقیماً به نقش سازمان‌های غیردولتی اشاره شد.^{۱۲} توسعه سازمان‌های غیردولتی از نظر کمی و کیفی و حضور آنها در حوزه‌های مختلف موجب شد بتوانند در مذاکرات ارکان مختلف ملل متحد مداخله نمایند و «این خود گویای آن است که ماده ۷۱ منشور ملل متحد که در ابتدا عنصر ناهمگن منشور بشمار می‌آمد، حدی وسیع پیدا کند و میان خلق‌ها و سازمان ملل رابطه‌ای مستقیم ایجاد نماید تا همبستگی بین‌المللی مبنایی مستحکم‌تر بیابد.»^{۱۳} اکنون قطعنامه ۳۱ مصوب ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۶ شورا در کنار قطعنامه‌های ۲۸۸ مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۵۰ و قطعنامه ۱۲۹۶ مورخ ۲۳ می ۱۹۶۸ مبنای اصلی «روابط مشورتی میان سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی» محسوب می‌شود.

در تبیین ویژگی‌های لازم برای شناخت یک سازمان غیردولتی نیز باید به این نکته اشاره نمود که با توجه به ساختار و هدف این سازمان‌ها و این که آنها بر اساس حقوق داخلی دولت‌ها به وجود می‌آیند؛ شاید به نظر برسد که تعریف جهانشمولی از آنها به‌دست نیاید؛ لیکن با توجه به پیش‌نویس‌های ۱۹۲۳ و ۱۹۵۰ مؤسسه حقوق بین‌الملل که تلاشی نافرجام برای تصویب کنوانسیون بین‌المللی بود و قطعنامه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۸ اکوسوک و نیز کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ که مهم‌ترین سند الزام‌آور در این موضوع است و بخشی از «حقوق اروپایی» به شمار می‌رود، معیارهای تشخیص یک سازمان غیردولتی را می‌توان چنین برشمرد: ماهیت خصوصی،

8. union of international associations

9. <http://www.uia.org/uia/profilen.php> 2007-02-18

۱۰. رضا موسی‌زاده، سازمان‌های بین‌المللی، میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۲۱.

۱۱. ابراهیم بیگزاده، پیشین.

۱۲. «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این تدابیر ممکن است درباره سازمان‌های بین‌المللی و در صورت لزوم به سازمان‌های ملی پس از مشورت با (کشور) عضو ذینفع ملل متحد تعمیم یابد.»

۱۳. ابراهیم بیگزاده، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی،

ش ۱۵، تیر ۱۳۷۴.

هدف عام‌المنفعه و عدم قصد سودبری و منفعت عمومی، ایجاد توسط مقررات داخلی یک کشور، فعالیت مؤثر در بیش از یک کشور، مقرر مشخص و سازمان و تشکیلات منظم. به‌رغم وجود نظریات متعدد درباره شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی،^{۱۴} با توجه به پیشرفت‌های حاصل از رویه سازمان ملل، تلاش‌های عملی سازمان‌های غیردولتی و با الهام از نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه خسارات وارده به سازمان ملل متحد (۱۹۴۹)^{۱۵} و با توجه به این نکته که اصل بنیادین در حقوق سازمان‌های بین‌المللی آن است که سازمان قبل از هر چیز بر اساس اعمالش تعریف می‌شود؛^{۱۶} می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای پذیرش یا رد شخصیت بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی نیز در واقع باید به رویه کشورها مراجعه کرد و بررسی نمود که آیا کشورها یا دیگر تابعان حقوق بین‌الملل برای آن سازمان غیردولتی به‌خصوص، شخصیت بین‌المللی قائلند یا خیر؟ مؤسسه حقوق بین‌الملل که خود سازمانی غیردولتی است در «پیش‌نویس کنوانسیون مربوط به وضعیت حقوقی انجمنهای بین‌المللی»، در مورد شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی سکوت اختیار کرده ولی در ماده ۷ مطلبی را بیان داشته که بیانگر شخصیت حقوقی این سازمان‌هاست. این ماده مقرر می‌دارد:

«سازمان غیردولتی می‌تواند از تصمیم هر یک از متعاهدین که با استناد به مقررات مربوط به نظم عمومی داخلی از اعطای شخصیت حقوقی به آن سازمان خودداری کرده است به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کند.»

بدیهی است که تنها تابعان حقوق بین‌الملل - و آن هم نه تمامی تابعان بلکه برخی همچون کشورها - حق مراجعه به دیوان را دارند و اعطای این حق به سازمان‌های غیردولتی به معنای شناخت شخصیت حقوقی بین‌المللی آنهاست. شایان ذکر است که هرچند پیش‌نویس دارای اعتبار حقوقی نیست، چه هنوز به تصویب نرسیده و معاهده محسوب نمی‌گردد، ولی مبین تفکری قابل تأمل در قلمرو بین‌الملل است.^{۱۷} برخی نیز معتقدند با توجه به ماده ۷۱ منشور و قواعد آرمانی

۱۴. ناصر قربان‌نیا، «شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی» در:

<http://www.hawzah.net/Per/Magazine/NM/014/nm01403.asp> 2008-02-25

۱۵. این نظریه اعلام می‌دارد «شخصیت حقوقی بین‌المللی نه به لحاظ وجود نمایندگان دولت‌ها در یک سازمان بلکه به خاطر برخی عملکردهای آن که در سطح بین‌المللی است، اعطا می‌شود.» نک: محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق

بین‌الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفدهم، ۱۳۸۱، ص ۲۶۶.

۱۶. ابراهیم بیگ‌زاده، پیشین.

۱۷. ناصر قربان‌نیا، پیشین.

موجود، این سازمان‌ها در جهت دارا شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی گام برمی‌دارند؛ اما حداقل آن است که توانسته‌اند به موجب مقررات داخلی از شخصیت حقوقی برخوردار شوند.^{۱۸} حتی اگر بپذیریم تابع و موضوع حقوق بین‌الملل بودن صرفاً به معنای داشتن حقوق و وظایف یک نهاد در حقوق بین‌الملل است،^{۱۹} آنگاه باید برای برخی سازمان‌های غیردولتی، شخصیت بین‌المللی قائل شد زیرا موضوع برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی بوده‌اند؛ مانند همه فدراسیون‌های ورزشی جهانی با توجه به کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش، صلیب سرخ جهانی عطف به کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه ژنو و نیز سازمان‌های غیردولتی در روابط میان اعضای کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ که با ابتکار شورای اروپا تصویب شد.^{۲۰} البته برخی معتقدند «حق شرکت در دعوا»^{۲۱} از لوازم داشتن شخصیت بین‌المللی است؛^{۲۲} با این وصف باید منکر شخصیت بین‌المللی سازمان ملل شد، زیرا صلاحیت آن صرفاً محدود به درخواست نظریات مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری است؛ وانگهی امروزه دیوان بین‌المللی دادگستری، تنها مرجع قضایی بین‌المللی شناخته نمی‌شود.^{۲۳} با این حال می‌توان چنین حقی را در قوانین داخلی یا بین‌المللی برای سازمان‌های غیردولتی در نظر گرفت؛ چنان که بند چ ماده ۴ و ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی ایران، چنین حقی را برای سازمان‌ها در نظر گرفته است. بنابراین نه تنها می‌توان مدعی شد داشتن حق شرکت در دعوا، لازمه اعطای شخصیت بین‌المللی به سازمان‌های غیردولتی نیست؛ بلکه می‌توان با احتیاط چنین سازکار خاصی برای دعاوی حقوقی آنها در مراجع قضایی داخلی پیش‌بینی نمود که آنها را هم‌ردیف دولت‌ها نیز نگرداند.

به طور کلی می‌توان دو کارکرد عمده برای این سازمان‌ها در حقوق بین‌الملل تصور نمود. نخست تأثیر آنها بر شکل‌گیری قواعد بین‌المللی که به بهترین وجه در تلاش‌های «مؤسسه حقوق بین‌الملل» و «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» که در دو شکل «همکاری» و «مشورت» قابل بررسی است و دوم تأثیر این سازمان‌ها بر اجرای قواعد بین‌المللی که مخصوصاً به‌عنوان «ناظر بر اجرای قواعد بین‌المللی» و بیشتر در عرصه «حقوق بشر» نمایان می‌شود و گاهی نیز ویژگی مردمی و

۱۸. همان.

19. Subjectivity in international law, Grasimos Fourlanos, 53 Nordisk Tidsskrift int'l Ret, 9, 1984

20. <http://www.uia.org/legal/app411.php> 2007-02-21

21. Locus Standi

22. Subjectivity in International Law, Grasimos Fourlanos, *Ibid.*

۲۳. برای مثال، نک: ماده یک پروتکل اختیاری مربوط به میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، همچنین، نک: حسین

مهرپور، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۴۷۶. همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر

که در سطح اروپا، شکایات اشخاص خصوصی علیه دولت‌های عضو را نیز بررسی می‌نماید.

بی‌طرفی این سازمان‌ها (مثل صلیب سرخ) ممکن است در موارد خاصی طبق معاهدات بین‌المللی آنها را در جایگاه اجراکننده قواعد بین‌المللی بنشانند.^{۲۴} همچنین می‌توان به نقش سازمان‌های غیردولتی در دیوان کیفری بین‌المللی اشاره نمود که طبق بند ۲ ماده ۱۵ اساسنامه رم، دادستان باید به اطلاعات دریافتی از سوی آنها توجه نماید. باوجود این تاکنون ادعا نشده است این سازمان‌ها می‌توانند بدون مشارکت و تصمیم دولت‌ها ایجادکننده هنجارهای حقوقی باشند.

۳- تأثیرگذاری دولت‌ها بر سازمان‌های غیردولتی ورزشی

پیش از ورود به این بحث که مناسبات ورزشی در فدراسیونی جهانی چگونه بر یک دولت می‌تواند اثر بگذارد؛ بی‌مناسبت نیست اگر از تأثیر دولت‌ها بر روابط ورزشی و سازمان‌های غیردولتی مربوط سخن بگوییم.^{۲۵}

نخست از آن‌جهت که فدراسیون‌های ورزشی مانند هر سازمان غیردولتی دیگر طبق قوانین داخلی یک کشور تشکیل می‌شوند، این قوانین ملی بر آنها اثر می‌گذارد. مثلاً فیفا بر اساس ماده ۶۰ قانون مدنی سوئیس تشکیل شده و در آن کشور به ثبت رسیده است. بنابراین باید قوانین مربوط به دولت محل تأسیس را رعایت نمایند. اصل ۲۶ قانون اساسی،^{۲۶} «آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی» (۱۳۳۷) و «آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی» (۱۳۸۴)^{۲۷} در ایران و قانون اول ژوئیه ۱۹۰۱ فرانسه از جمله قوانین ملی موجود حاکم بر سازمان‌های غیردولتی است.

دوم آنکه قوانین داخلی یک کشور ممکن است محدودیت‌هایی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی ایجاد نماید. به‌عنوان مثال در ایران، دولت «لایحه فعالیت سازمان‌های خیریه بین‌المللی غیردولتی در کشور» را در سال ۸۳ به مجلس ارائه نمود که کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گستره حقوقی این لایحه را از «سازمان‌های خیریه بین‌المللی غیردولتی فعال در امور

۲۴. همان و ابراهیم بیگزاده، «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل»، با توجه به تبیین نسبتاً کامل این موضوع در دو مقاله مورد اشاره، اینک از تطویل بحث، خودداری می‌شود.

۲۵. خلاصه‌ای از این مبحث پیشتر منتشر شده بود. نک: امیر مقامی، رویایی در تعلیق، روزنامه اعتماد ملی، ۱۴ آذر ۱۳۸۵، ص ۹.

۲۶. «... جمعیت‌ها ... آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

27. <http://www.hoquouq.com/law/article464.html> 2007-02-21

مهاجران، پناهندگان و آوارگان» به همه «سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی» گسترش داد. در صورت تصویب این لایحه صدور اجازه و یا خاتمه فعالیت سازمان‌های مزبور به عهده کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه و اطلاعات خواهد بود.^{۲۸} بدین ترتیب فعالیت یا تأسیس این سازمان‌ها تحت تأثیر اقتدار دولت قرار می‌گیرد. هم‌اکنون نحوه فعالیت این سازمان‌ها بر اساس ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی^{۲۹} تنظیم می‌شود. تصویب یا وجود چنین قوانینی در کشورهای دیگر نیز ممکن است این سازمان‌ها را محدود نماید. این قوانین هنگام فعالیت‌های سازمان باید رعایت شوند.

سوم آنکه انعقاد یک معاهده بین‌المللی می‌تواند تکالیفی حتی برای فدراسیون‌های ورزشی (به‌رغم غیردولتی بودنشان) ایجاد نموده و بر روابط ورزشی اثر بگذارد. کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش که سال ۱۹۸۵ تصویب شده و هدف از آن انزوای دولت آپارتایدی و وقت آفریقای جنوبی در مجامع ورزشی بین‌المللی و تکمله‌ای بر کنوانسیون ۱۹۷۳ بود؛ تنها نمونه موجود از این معاهدات است. در حقیقت این معاهده، خود یک نظام کیفری بین‌المللی علیه دولت‌های آپارتایدی است و هرگونه کمک مالی یا غیرمالی به ارگان‌های ورزشی، تیم‌ها و ورزشکاران نماینده کشورهای که سیاست آپارتاید در آنها اعمال می‌شود را ممنوع اعلام می‌کند. (ماده ۵) بند الف جزء ۳ ماده ۱۰ نیز متضمن «اخراج آفریقای جنوبی از کلیه فدراسیون‌های ورزشی» است.^{۳۰}

چهارم آنکه بعید نیست تفسیر موسّع شورای امنیت از فصل هفتم منشور ملل متحد، مخصوصاً ماده ۴۱ به دلیل اهمیت روابط ورزشی نزد افکار عمومی و ملت‌ها به تحریم ورزشی یک کشور نیز

۲۸. گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در خصوص لایحه نحوه فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در کشور، مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، سال اول، شماره چاپ ۲۱۶، شماره دفتر ثبت ۱۷۷، تاریخ چاپ ۱۳۸۳/۵/۱۲.

۲۹. «صدور مجوز فعالیت سازمان‌های غیردولتی خارجی و بین‌المللی در ایران و نظارت بر آنها به عهده هیأتی متشکل از نماینده وزارت امور خارجه، نماینده وزارت کشور، نماینده وزارت اطلاعات و نماینده وزارتخانه یا سازمان دولتی مرتبط با موضوع فعالیت سازمان غیردولتی خارجی یا بین‌المللی خواهد بود. تبصره - فعالیت سازمان‌های غیردولتی مذکور پس از اخذ مجوز، تابع مقررات این آیین‌نامه می‌باشد.» البته با توجه به مواد ۱۷ و ۳۲ آیین‌نامه مزبور شامل سازمان‌های غیردولتی که قانون خاصی درباره آنها وجود دارد، نمی‌شود. بنابراین رابطه فدراسیون‌های ورزشی ایران و فدراسیون‌های مربوطه بین‌المللی طبق قانون سازمان تربیت بدنی، قانون اساسنامه کمیته ملی المپیک و آیین‌نامه اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی آماتوری تنظیم می‌گردد.

۳۰. مطابق بند ۵ ماده ۱۰ معاهده، «مفاد ماده حاضر که به طور خاص مربوط به آفریقای جنوبی است، در صورت الغای نظام آپارتاید در آن کشور، دیگر اعمال نخواهد شد.»

(به تنهایی یا در کنار دیگر تحریم‌ها) بیانجامد؛ یا ایجاد محدودیت‌هایی از نظر سفرهای خارجی و صدور روایید برای بعضی یا همه اتباع یک کشور ذیل عنوان تحریم، موجب محدودیت تیم‌های ورزشی یا عدم شرکت آنها در مسابقاتی شود که توسط فدراسیون‌های بین‌المللی برگزار می‌شود. اینجا نیز دولت‌ها (در چارچوب شورای امنیت) بر عملکرد فدراسیون‌های ورزشی تأثیر می‌گذارند.

۴- چالش ایران و فیفا

مطابق ماده یک اساسنامه فیفا، «فدراسیون بین‌المللی فوتبال»^{۳۱} اتحادیه‌ای ثبت شده در دفتر ثبت تجاری طبق ماده ۶۰ قانون مدنی فدرال سوئیس^{۳۲} است. در ابتدا فیفا فقط سازمانی برای کشورهای اروپایی بود که در فرانسه ایجاد شد، سپس با درخواست عضویت آفریقای جنوبی در ۱۹۰۹، شیلی و آرژانتین در ۱۹۱۲ و ایالات متحد در ۱۹۱۳ فیفا به بیرون از اروپا گسترش یافت.

ماده ۲ اساسنامه،^{۳۳} اهداف فیفا را تبیین نموده است و هر اتحادیه فوتبال که مسئول برگزاری مسابقات فوتبال در یک کشور باشد می‌تواند به عنوان یک اتحادیه ملی^{۳۴} عضو فیفا شود (ماده ۱۰) که کنگره به عنوان مرجع عالی فیفا درباره الحاق، تعلیق یا اخراج آنها تصمیم می‌گیرد. (ماده ۹) در صورتی که یک اتحادیه (یا فدراسیون) ملی تعهدات مندرج در ماده ۱۳ اساسنامه را انجام ندهد، مطابق مقررات ماده ۱۴ ممکن است توسط کنگره معلق شود. این تعهدات عمدتاً عبارتند از: اقدام بر اساس اساسنامه و مقررات فیفا، شرکت در مسابقات، پرداخت حق عضویت، احترام به قوانین

31. Fédération Internationale de Football Association (FIFA)

منظور از واژه de Football Association (فرانسه) یا Association Football در اساسنامه فیفا طبق تعاریف ارائه شده در

اساسنامه، عبارت است از «مسابقه‌ای که زیر نظر فیفا برگزار می‌شود و طبق «قوانین بازی» سازماندهی می‌شود.»

۳۲. ماده ۶۰ قانون مدنی سوئیس در فصل دوم (با عنوان «انجمن‌ها») از بخش چهارم (با عنوان «حقوق مالکیت») است که مقرر می‌دارد: «انجمنی که یک موضوع سیاسی، مذهبی، علمی، هنری، خیریه، اجتماعی یا هر موضوعی به جز صنعت دارد، به محض این که آنها قصدشان را برای داشتن یک شخصیت حقوقی با اساسنامه‌شان نشان دهند؛ وضعیت یک شخص [حقوقی] را به دست می‌آورد. اساسنامه، باید کتبی تنظیم شود و موضوع، سرمایه و ساختار انجمن را بیان نماید.»

http://www.servas.org/siexco/images/0/07/The_Swiss_Civil_Code_in_English.pdf

۳۳. اساسنامه و سایر اسناد مهم فیفا روی پایگاه اینترنتی رسمی قابل دسترسی است: <www.fifa.com>

۳۴. واژه Association در اساسنامه فیفا به معنای «یک اتحادیه فوتبال است که فیفا آن را به رسمیت شناخته و عضو فیفاست مگر آنکه معنای متفاوتی بر اساس متن از آن برداشت شود.» در این مقاله، این واژه را با عبارت‌های «اتحادیه ملی» یا «فدراسیون (ملی)» مورد استفاده قرار داده‌ایم. اصطلاح «فدراسیون» در کشور ما بیشتر مصطلح است، اما در بسیاری از کشورها از کلمه «اتحادیه» استفاده می‌شود و هر دو به یک معنا عبارت است از سازمان فوتبال که نمایندگی ملی فوتبال یک کشور را در فیفا به عهده دارد.

مسابقات و انجام کامل وظایف طبق اساسنامه و سایر مقررات. اعضا طبق ماده ۱۲ حقوقی هم دارند. فدراسیون فوتبال ایران نیز در سال ۱۹۲۰ تشکیل شده و از سال ۱۹۴۵ عضو فیفاست.^{۳۵} در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) اتفاقاتی روی داد که به رویارویی جدی فیفا و دولت جمهوری اسلامی ایران بر سر «استقلال» فدراسیون فوتبال انجامید. اینک باید تحولات روی داده را بر اساس مبانی حقوقی داخلی مورد بررسی قرار داد.

۱-۴- موضوع صلاحیت دیوان عدالت اداری

در اوایل سال ۱۳۸۴ مسابقات لیگ دسته اول فوتبال با یک چالش حقوقی بزرگ روبرو شد. کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال و شورای عالی تجدیدنظر در اختلاف میان دو تیم صنعت نفت و راه‌آهن چنین رأی دادند که یک دیدار اضافی میان آنها در تبریز برگزار شود. تیم نفت در اعتراض به این رأی، به دیوان عدالت اداری شکایت برد. وکیل فدراسیون فوتبال اعلام کرد باشگاه صنعت نفت متعلق به دولت است و مؤسسات دولتی صلاحیت طرح دعوا در این دیوان ندارند، زیرا «شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران» تنها مالک آن است. وی از دیوان خواست اساسنامه فیفا را در هنگام صدور رأی مورد توجه قرار دهد. طبق ماده ۶۱ اساسنامه، «دیوان داوری ورزش» مرجع عالی حل و فصل حقوقی اختلافات در فوتبال است. بند ۲ ماده ۶۱ مقرر می‌دارد توسل به دادگاه‌های حقوقی عادی ممنوع است، مگر آنکه طبق مقررات «فیفا» تشکیل و تنظیم شود و نهایتاً بند ۳ این ماده، برای تضمین بند ۲ مقرر نموده است که «فدراسیون‌های عضو قیدی در اساسنامه‌های خود ذکر خواهند کرد مبنی بر این که باشگاه‌ها و اعضایشان از ارجاع اختلافاتشان به دادگاه‌های عادی حقوقی منع شوند» و هرگونه اختلاف در صلاحیت فدراسیون ملی، کنفدراسیون مربوط قاره‌ای یا فیفا خواهد بود. با وجود این دیوان به موضوع رسیدگی کرد و رأی به سود خواهان صادر شد. اما آیا دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به اختلافات داخلی فدراسیون فوتبال را دارد یا نه؟ اساسنامه فدراسیون فاقد شرط مقرر در بند ۳ ماده ۶۱ اساسنامه فیفا بود، اما طبق حقوق داخلی نیز این مسأله قابل بحث است. «فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران» طبق بند ۱۱ «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی»^{۳۶} (الحاقی ۷۶/۳/۱۱) در عداد این مؤسسات قرار گرفتند. در سال ۷۴ مجلس تفسیری از ماده ۱۱ قانون دیوان

۳۵. کیوان کثیریان و سمیه قاضی‌زاده، کتاب **جام جهانی فوتبال**، آنبه‌نما، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۸۲

۳۶. «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی»، مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ می‌باشد که بندهای ۱۱ و ۱۲ آن در سال ۱۳۷۶ الحاق شد.

عدالت اداری ارائه نمود که مطابق آن «با توجه به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات علیه نهادهای عمومی احصاشده در قانون فهرست... نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد.»^{۳۷} این تفسیر قانونی به تأیید شورای نگهبان نیز رسید^{۳۸} که مغایر ظاهر اصل ۱۷۳ قانون اساسی ایران^{۳۹} بود. مطابق این اصل، فقط شکایت از «مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی» در صلاحیت این دیوان است. بیشتر در سال ۱۳۸۰ هم پرونده‌ای در دیوان مطرح و شاکی خواستار ابطال بخشی از یکی از آیین‌نامه‌های فدراسیون فوتبال شد. دبیرکل وقت فدراسیون فوتبال با طرح این موضوع که مؤسسه متبوعش نهادی غیردولتی (گرچه عمومی) است؛ صلاحیت دیوان را به چالش کشید. اما دیوان با توجه به قانون تفسیری مصوب سال ۷۴ صلاحیت خود را احراز، به موضوع رسیدگی نموده و نهایتاً حکم به ابطال آیین‌نامه فدراسیون داد.^{۴۰} همچنین دیوان درباره یکی از بخشنامه‌های فدراسیون کشتی نیز صلاحیت خود را احراز و اقدام به صدور رأی نموده بود.^{۴۱} اما نکته تأمل برانگیز آن که در سال ۸۴ شورای نگهبان نیز نظر خود را تغییر داده و معتقد به عدم صلاحیت دیوان در دعاوی علیه نهادهای عمومی غیردولتی شده بود. ۲۷ آذر ۸۴ مجلس لایحه جدید دیوان عدالت اداری را تصویب نمود که در بند یک ماده ۱۳ «رسیدگی به شکایات... نسبت به ... نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی احصا شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و اصلاحات بعدی آن» در صلاحیت دیوان قرار گرفت و در بندهای دیگر این ماده نیز این موضوع تکرار شد؛ اما شورای نگهبان این بار نظر دیگری داشت و عملاً تأیید خود بر قانون سال ۷۴ را نادیده گرفت و در ایرادات خود نسبت به این مصوبه اعلام کرد: «اطلاق بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ ماده ۱۳ چون شامل اقدامات و تصمیمات واحدهای عمومی غیردولتی نیز می‌شوند، مغایر اصل ۱۷۳ قانون اساسی شناخته شد.» و در بند ۵ ایرادات نیز تکرار نمود: «بند ۱ ماده ۲۰ بر اساس اشکال ماده ۱ به جهت توسعه تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها به قوای دیگر غیر از قوه مجریه و نیز تسری آن به مؤسسات عمومی غیردولتی مغایر اصل ۱۷۳ قانون اساسی شناخته شد.» سرانجام

۳۷. «قانون تفسیر ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی»، مصوب ۱۳۷۴/۷/۱۱.

۳۸. در تاریخ ۱۳۷۴/۷/۱۹.

۳۹. «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.»

۴۰. تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲، دادنامه: ۲۷-کلاسه: ۳۵۱/۷۹.

۴۱. تاریخ ۱۳۷۸/۱/۱۲، دادنامه: ۱۹۷-کلاسه: ۴۸۱/۷۷.

مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در تاریخ ۸۵/۹/۲۵ تصمیم گرفت در قانون جدید دیوان عدالت اداری، صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی برای دیوان در نظر گرفته نشود. بنابراین هم از نظر مقررات فیفا و هم حقوق اساسی ایران، دیوان عدالت ثبوتاً صلاحیت رسیدگی به چنین شکایتی را نداشت. نهایتاً با تصویب اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال که ۱۱ تیر ماه ۸۶ مورد تأیید فیفا قرار گرفت، در بند ۴ ماده ۱۳ اساسنامه تأکید شد هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی و حقوقی که مایل به عضویت در فدراسیون باشند باید:

«تعهد نماید کلیه دعاوی را صرفاً در رکن قضایی فدراسیون حل و فصل نماید و حق ارائه دعاوی به دادگاه‌های عمومی را ندارد.»

همچنین در ماده ۱۶ اساسنامه به عنوان تعهدی برای اعضای فدراسیون چنین مقرر شد:

«در نظر گرفتن یک ماده در اساسنامه که عنوان می‌دارد رسیدگی به هر گونه دعاوی عضو و یا نهادهای وابسته به عضو که در ارتباط با اساسنامه، قوانین و مقررات، دستور العمل‌ها و تصمیمات فیفا، کنفدراسیون، فدراسیون یا لیگ‌های کشوری می‌باشد، صرفاً از طریق فدراسیون، فیفا و دادگاه حکمیت ورزشی پیگیری و تحت رسیدگی قرار خواهد گرفت.»

و در بند ۲ ماده ۶۴ نیز مقرر شد:

«در صورت عدم قبول رأی صادره از طرف فدراسیون، هر یک از طرفین می‌توانند جهت قضاوت نهایی به فیفا مراجعه نمایند.»

و در نهایت در ماده ۶۰ اساسنامه، صلاحیت دادگاه داور ورزش پذیرفته شد:

«بر طبق ماده ۵۹ و ۶۰ اساسنامه فیفا هرگونه فرجام‌خواهی علیه احکام نهایی صادره توسط فیفا و یا کنفدراسیون باید در دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزشی CAS که در شهر لوزان سوئیس قرار دارد مورد رسیدگی واقع شود.»

البته مفاد مزبور گرچه حق کلی مربوط به برخورداری از دادرسی (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۳۴ قانون اساسی ایران) را منتفی نمی‌سازد اما در ظاهر خلاف اصل ۱۵۹ قانون اساسی به نظر می‌رسد که مرجع رسمی نظلمات را دادگستری می‌داند، و نه مراجعی چون فیفا یا دیوان داور ورزش که یک دادگاه خارجی است و طبق اساسنامه فیفا در مورد اختلافات مربوط به فوتبال، بر اساس حقوق خارجی (سوئیس) و نه حتی حقوق بین‌الملل، عمل می‌نماید. البته از آراء این نهاد می‌توان برخی اصول حقوق بین‌الملل ورزش را نیز استخراج نمود. این دیوان توسط کمیته بین‌المللی المپیک تأسیس شد و از ۱۹۸۴ شروع به کار کرد که یک «شورای

بین‌المللی داوری در ورزش» آن را اداره می‌کند. گستره وسیعی از اختلافات ورزشی بین‌المللی - و گاه اختلافات داخلی - در صلاحیت CAS است. از آنجا که بر اساس اصول «داوری»، صلاحیت نهاد داوری بر اساس توافق طرفین اختلاف تعیین می‌شود، اساسنامه فیفا، رأی این نهاد را به عنوان رأی قطعی و الزام‌آور برای تمام اعضای جامعه جهانی فوتبال به رسمیت می‌شناسد و ارجاع دعاوی به آن یا مستند به اساسنامه فیفا و یا طبق قرارداد خواهد بود؛ اما فقط دعاوی مرتبط با «ورزش» مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. داوران هر دعوا نیز توسط طرفین از میان فهرست داوران انتخاب می‌شود. طرفین، مجازند «قانون حاکم» بر دعوا را خود انتخاب کنند که در دعاوی مربوط به فوتبال، طبق اساسنامه فیفا، قوانین فیفا و حقوق سوئیس، قانون حاکم بر داوری است. «قواعد داوری مربوط به ورزش»^{۴۲} نیز بر روند دادرسی حاکم است.^{۴۳}

۲-۴- اخراج رئیس فدراسیون و طرح اساسنامه دولت‌محور

۳۱ خرداد ۱۳۸۵ ریاست فدراسیون فوتبال توسط شورای معاونان سازمان تربیت بدنی برکنار شد. اما فیفا هنوز مکاتبات خود را با وی به عنوان «رئیس فدراسیون» ادامه داده و از وی درباره وضعیت فدراسیون جويا می‌شد. رئیس فیفا در نامه‌ای به تاریخ ۳۱ اوت ۲۰۰۶ (۹ شهریور ۱۳۸۵) با عنوان «وضعیت فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران» از طرف فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا، وی و همکارانش را مقامات قانونی فدراسیون دانست و چنین اظهارنظری را مبتنی بر ماده ۱۷ اساسنامه فیفا قلمداد کرد. طبق بند یک این ماده «ارکان و مقامات اعضا ممکن است در آن فدراسیون انتخاب یا انتصاب شوند. اساسنامه یک (فدراسیون) عضو فرایندی را که استقلال کامل چنین انتخاب یا انتصابی را تضمین کند، پیش‌بینی خواهد نمود.» طبق بند ۲ هر مقامی گرچه «موقت» باشد، در صورتی که برخلاف این روند منصوب شده باشد، تصمیماتش از سوی فیفا به رسمیت شناخته نخواهد شد. بنابراین فیفا، تیم جدید مدیریت موقت فدراسیون را به رسمیت نشناخت. این نامه یادآور می‌شود وضعیت فدراسیون از ماه ژوئیه، عادی نبوده است و تا ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶ به ایران مهلت داده شد تا وضع به حالت عادی بازگردد و نسبت به مجازات‌های احتمالی هشدار داده شد.

این در حالی بود که «فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران» طبق بند ۱۱ الحاقی (۱۳۷۶) «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» در عداد این مؤسسات قرار گرفتند، تبصره یک بند ۱۱ نیز مقرر داشت اساسنامه این فدراسیون‌ها «به پیشنهاد سازمان تربیت بدنی

42. Code of Sports-Related Arbitration

43. Eric T. Gilson, Exploring the Court of Arbitration for Sport, *Law Library Journal*, 2006, Vol. 98, No. 3, pp. 504-506.

به تصویب هیأت وزیران» خواهد رسید. پیش از آن به موجب قانون باید «تشکیلات و وظایف فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی باتوجه به مقررات بین‌المللی و آیین‌نامه‌های کمیته ملی المپیک تعیین» و «به تصویب سرپرست سازمان» می‌رسید.^{۴۴} بنابراین قانون سابق، تأکید داشت اساسنامه فدراسیون‌ها طبق «مقررات بین‌المللی» تنظیم شود اما در قانون جدید چنین تأکیدی نیز دیده نمی‌شد. در اجرای قانون سال ۱۳۷۶، در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۹ اساسنامه فدراسیون‌ها به تصویب دولت رسید. تبصره ۱ ماده ۱۰ اساسنامه مقرر می‌داشت «عزل رئیس فدراسیون با پیشنهاد حداقل یک سوم از اعضای مجمع امکان‌پذیر است.» طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی موجب شد رئیس وقت سازمان ورزش در اساسنامه اصلاحی^{۴۵} اختیار عزل روسای فدراسیون‌ها را پیدا کند تا بتواند پاسخگوی اعتراض‌ها باشد. به موجب تبصره یک ماده ۱۰ اصلاحی «قبول استعفا یا برکناری رئیس فدراسیون به تشخیص رئیس سازمان و یا پیشنهاد مجمع و موافقت ایشان انجام می‌پذیرد.» با این اصلاحات طبق تبصره ۲ پس از برکناری، سرپرست منصوب رئیس سازمان جانشین رئیس برکنار شده فدراسیون می‌شد، حال آنکه در اساسنامه سال ۱۳۷۸ نایب‌رئیس که منتخب مجمع بود وظیفه انجام انتخابات جدید را بر عهده می‌داشت. اصلاحات سال ۱۳۸۱ عملاً اختیارات رئیس سازمان ورزش (یعنی معاون رئیس جمهور) را افزایش می‌داد. اما با برکناری ناگهانی رئیس فدراسیون، حساسیت فیفا برانگیخته شد و موضوع به‌طور فوق‌العاده در دستور کار قرار گرفت.

۳-۴- در آستانه تعلیق

پس از هشدارهای فیفا درباره برکناری رئیس فدراسیون و با نزدیک شدن به موعد ضرب‌الاجل، دولت ایران به‌طور جدی برای جلوگیری از تعلیق فدراسیون فوتبال ایران وارد عمل شد. اول آذر ۱۳۸۵ خبر نشست کمیته اضطراری فیفا منتشر شد. در همین زمان رئیس سازمان ورزش ایران، با تشبیه رفتار فیفا با فوتبال ایران به «کاپیتولاسیون» دخالت فیفا در تنظیم اساسنامه بعدی فدراسیون فوتبال را به چالش کشید و اعلام کرد فدراسیون‌های ورزشی، طبق قوانین داخلی ایران فعالیت خواهند کرد. با این سخنان بیش از هر زمان دیگر، موضوع دخالت‌های یک سازمان غیردولتی در حقوق داخلی کشورها، نمود پیدا کرد. کمیته اضطراری فیفا متشکل از رئیس فیفا و یک نماینده از

۴۴. تبصره ماده ۱۵ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی ایران، مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۳.

۴۵. مصوب ۱۳۸۱/۲/۱۱ هیأت وزیران.

هر شش کنفدراسیون قاره‌ای، تصمیم خود را مبنی بر تعلیق فوتبال ایران طی بیانیه‌ای اعلام نمود.^{۴۶} بنابر این تصمیم، فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران به دلیل دخالت دولت در امور فوتبال که بر خلاف ماده ۱۷ اساسنامه فیفاست^{۴۷} از تمام فعالیت‌های بین‌المللی محروم شد. به علاوه کمیته اضطراری این مسیر را برای ادامه راه به تصویب رساند:

- ۱- تشکیل کمیته ساماندهی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران که ترکیبی از نفرات مستقل و مورد اعتماد فیفا و فدراسیون فوتبال آسیا خواهد بود. نفرات کمیته را این دو نهاد تعیین خواهند کرد.
- ۲- تهیه اساسنامه جدید اصلاح‌شده بر اساس اساسنامه فیفا.
- ۳- برگزاری انتخابات جدید تحت نظر فیفا و فدراسیون فوتبال آسیا پس از تأیید نهایی اساسنامه فوق.

بیانیه فیفا تأکید داشت که رفع این تعلیق بستگی به پذیرش مفاد «نقشه راه» توسط مقامات مربوط در تهران دارد. فیفا تأیید کرد در اوت ۲۰۰۶ طی نامه‌ای ضرب‌الاجل ۱۵ نوامبر را برای بازگشت به کار رئیس فدراسیون و رعایت شرایط اساسنامه فیفا مقرر کرده بوده است. این حکم چند پیامد فوری برای فوتبال ایران در برداشت و موجب حساسیت افکار عمومی شد. سازمان تربیت بدنی طی بیانیه‌ای از رایزنی‌های گسترده با فیفا خبر داد که موجب رفع تعلیق فوتبال ایران شده است. این سازمان اذعان کرد این مهم با «تلاش‌ها و رایزنی‌های شبانه‌روزی با حمایت‌ها و همراهی‌های دلسوزانه ریاست محترم جمهوری و دولت خدمتگزار نهم و به‌ویژه وزارت امور خارجه به بار نشسته است» و این نخستین بار بود که رسماً تلاش مقامات بلندپایه سیاسی دولت ایران برای حل مشکل تأیید می‌شد. این سطح از رایزنی‌های بین‌المللی نشان از اهمیت موضوع نزد دولت ایران است، به گونه‌ای که به هیچ‌وجه حاضر نیست هزینه‌ای جهت حذف فوتبال ایران بپردازد. سازمان تربیت بدنی همچنین اعلام کرد «به رایزنی‌ها و تعامل خویش با فدراسیون جهانی فوتبال ادامه خواهد داد تا با بررسی لازم اساسنامه فدراسیون فوتبال، زمینه ایجاد تشکیلاتی قوی را به منظور پاسخگویی به نیازهای امروز فوتبال فراهم آورد.» و این بار به جای

46. <http://fifa.com/en/media/index/0,1369,126229,00.html?articleid=126229> - 2006-12-09

۴۷. «۱- ارکان و مقامات: اعضا ممکن است در آن فدراسیون انتخاب یا منصوب شوند. اساسنامه یک (فدراسیون) عضو فرایندی را که استقلال کامل چنین انتخاب یا انتصابی را تضمین کند، پیش‌بینی خواهد نمود؛ ۲- هر یک از مقامات فدراسیون‌های عضو که برخلاف شرایط مقرر در بند یک انتخاب یا انتصاب شده باشند، گرچه موقتی باشند از سوی فیفا به رسمیت شناخته نخواهند شد؛ ۳- تصمیمات مقاماتی که برخلاف شرایط مقرر در بند ۱ اتخاذ شده باشد توسط فیفا به رسمیت شناخته نخواهد شد.»

«کاپیتولاسیون»، تعامل با فیفا برای اصلاح اساسنامه مطرح شد. در حقیقت پیامدهای تعلیق و واکنش افکار عمومی، مهم‌ترین ابزار فیفا برای قبولاندن خواسته‌های خود به ایران بود، اتفاقی که به اصلاحاتی در قوانین داخلی ایران می‌انجامید. سرانجام «ایران شرایط فیفا را پذیرفت» و مهلت ۱۰۰ روزه برای اصلاح اساسنامه در نظر گرفته شد. کمیته تعدیل، از سه نماینده فیفا و سه نماینده سازمان تربیت بدنی ایران تشکیل و ریاست کمیته به نماینده ایرانی فیفا واگذار شد.

۵- چالش‌های فیفا در سایر کشورها

ایران، تنها کشوری نبوده است که فیفا خواستار اصلاحاتی در ساختار مدیریتی و حقوقی فوتبال آن شده است. همانگونه که در بیانیه سازمان تربیت بدنی اشاره شده بود اکثر کشورهای آسیایی تحت نظارت و فشار فیفا برای انجام اصلاحات هستند. همچنین، دخالت‌های فیفا منحصر به تغییرات حقوقی برای هماهنگی فدراسیون‌های ملی با اساسنامه فیفا نیست. سبب بالاتر رئیس فیفا اعلام نمود:

«دادگاه عالی سوئیس تأکید کرده است که ما (در فیفا) می‌توانیم کسر امتیاز، سقوط و محرومیت را برای باشگاه‌ها (که اصولاً تحت نظارت مقررات فدراسیون‌های ملی هستند) در نظر بگیریم. فیفا خواستار آن است که این مجازات‌ها بیشتر شوند... این دادگاه سوئسی که درخواست تجدیدنظر یک باشگاه اسپانیایی را رد کرده، از حق فدراسیون بین‌المللی برای دخالت در مواقع ضروری حمایت کرده است... ما برای مبارزه با هرگونه تبعیض نژادی و افراطگرایی‌های سیاسی و مذهبی وارد عمل خواهیم شد اما فقط می‌توانیم در محدوده اختیارات خود اقدام کنیم... فیفا مسؤول امنیت عمومی نیست. فدراسیون‌های فوتبال باید با مقامات دولتی کشورها همکاری کنند.»

این رأی دادگاه سوئسی علاوه بر آنکه نشان می‌دهد سازمان‌های غیردولتی در رعایت ضوابط داخلی خود میان اعضا کاملاً مستقل هستند و دادگاه تنها زمانی می‌تواند علیه آنها رأی صادر نماید که قوانین برون‌سازمانی مانند قوانین ملی را در روابط برون‌سازمانی نقض کرده باشند، تأکیدی بر کارکرد جدید سازمان‌های غیردولتی برای اعمال ضمانت‌های اجرا در راستای اهداف آنهاست. یعنی این سازمان‌ها می‌توانند برای نیل به اهداف مشروع خود، تا جایی که مربوط به صلاحیت تخصصی آنهاست اقدام نمایند. بنابراین فیفا می‌تواند برای مبارزه با تبعیض نژادی که از اصول خدشه‌ناپذیر این سازمان است،^{۴۸} یا هنگامی که امنیت مسابقات به خطر می‌افتد اقدامات تنبیهی برای اعضای خود در نظر گیرد. یکی از این موارد پس از آن روی داد که در مسابقه تیم‌های ایران و ژاپن در

تهران، هفت تماشاگر به دلیل ازدحام جمعیت و سوءمدیریت کشته شدند. فیفا، اعلام کرد در مسابقات بعدی، فقط ۵۰ هزار تماشاگر حق ورود به ورزشگاه صد هزار نفری آزادی را خواهند داشت. همچنین پس از آشوب هواداران تیم کره شمالی در مسابقه با ایران، کره شمالی از یک دیدار خانگی محروم و به پرداخت ۲۰ هزار فرانک سوئیس محکوم شد.

در اینجا به چند نمونه از هشدارها و مجازات‌هایی که فیفا برای آن دسته از فدراسیون‌های عضو که مغایر اساسنامه فیفا عمل کرده‌اند یا دولت در آنها مداخله نموده است نیز اشاره می‌شود. مهم‌ترین نمونه شاید محرومیت فوتبال یونان بود که در سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاد و فیفا طی حکمی فدراسیون فوتبال یونان (قهرمان اروپا در سال ۲۰۰۴) را به دلیل آنچه «از دست رفتن استقلال این فدراسیون» نامید، معلق کرد. در سپتامبر ۲۰۰۵ کمیته اجرایی فیفا به فدراسیون فوتبال یونان اعلام کرده بود از دولت این کشور بخواهد تا ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۶ قوانین داخلی مربوط به ورزش را طوری تغییر دهد که وضیت فدراسیون فوتبال با اساسنامه فیفا و تصمیماتی که یوفا می‌گیرد هماهنگ باشد. با وجود این، فوتبال در یونان مستقل نشد و طبق اعلام فیفا، پیش‌نویس قانون جدید لیگ‌های حرفه‌ای یونان، عکس خواسته فیفا و تلاش جدید حکومت برای دخالت در فوتبال شناخته‌شد؛ بنابراین کمیته اضطراری فیفا پس از اطمینان از عدم رعایت اولتیماتوم، پیش از موعد مقرر، تعلیق این فدراسیون را غیرقابل اجتناب اعلام نمود. بدین ترتیب یونان از حضور در بازی‌های مقدماتی جام ملت‌های اروپا کنار گذاشته شد و باشگاه‌های این کشور از جام‌های اروپایی محروم شدند. سرانجام یونان با اصلاح سریع اساسنامه‌اش از این وضع نجات یافت. چنین اتفاقی برای نیجریه نیز تکرار شد؛ هنگامی که دولت این کشور در کنار بنگاه‌های شرط‌بندی نتایج انتخابات فدراسیون فوتبال را لغو کرد. فیفا در کنار وضعیت ایران، از وضعیت دخالت دولت‌ها در فوتبال در کشورهای الجزایر، کامبوج، نیجریه، لهستان و پرتغال نیز ابراز نگرانی کرده و به آنها هشدار داده است. همچنین ۲۷ مهر ۱۳۸۵ نیز فدراسیون فوتبال کنیا را معلق نمود زیرا وزیر ورزش، فدراسیون فوتبال را منحل نموده و کمیته موقتی برای نظارت بر تغییرات برگزید که مورد تأیید فیفا نبود. سپس یک دادگاه کنیا، حکم به نقض دستور انحلال فدراسیون توسط دولت داد که با استقبال فیفا روبرو شد. در آلبانی نیز پس از دستور یک دادگاه مبنی بر غیرقانونی برگزار شدن انتخابات فدراسیون فوتبال، دولت حساب‌های بانکی فدراسیون را مسدود نمود. در پی این اتفاق، فیفا و یوفا (اتحادیه فوتبال اروپا) برای میانجیگری میان دولت و فدراسیون فوتبال اعلام آمادگی نمودند. در ترکیه نیز ارائه لایحه اصلاح قانون فدراسیون فوتبال، سبب اعتراض برخی نمایندگان مجلس شده است که معتقدند نظارت و بازرسی در نظر گرفته‌شده در این لایحه، مغایر قوانین فیفا و یوفا درباره استقلال

فدراسیون از مداخله دولت است. وزیر ورزش این کشور نیز درخواست برپایی کنگره فوق‌العاده فدراسیون فوتبال را نمود که موجب اعتراضاتی شد.

در رویدادی مشابه آنچه در ایران گذشت، فیفا و یوفا در بیانیه مشترکی ضمن به‌رسمیت نشناختن رئیس موقت فدراسیون فوتبال لهستان به دخالت دولت لهستان اعتراض کردند و در بیانیه مشترکی از بررسی موضوع طبق ماده ۱۷ اساسنامه فیفا خبر دادند. همچنین در آخرین اتفاقات، فیفا ضمن اعتقاد به این که برخی اعضای فدراسیون فوتبال در عمان منصوب دولت هستند، شش ماه برای تدوین اساسنامه جدید مطابق استانداردهای فیفا و انتخاب اعضای جدید به این کشور مهلت داد. در اواخر سال ۲۰۰۷ فیفا چالش‌های مشابهی با کویت و اسپانیا داشت. نکته جالب، توجه این کشورها به تجربیات قبلی و تبعیت آنها از نظر فیفا بود. در این میان، تبعیت اسپانیا از تصمیم فیفا تأمل برانگیز بود؛ زیرا پیش‌بینی می‌شد مقاومت‌های اولیه مقامات ورزش این کشور، با توجه به اهمیت اسپانیا در فیفا مؤثر واقع شود. همچنین در بهار ۱۳۸۷، پس از آنکه دولت عراق، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی عراق را منحل کرد، فیفا اقدام به تعلیق فوتبال این کشور کرد که بلافاصله دولت، فدراسیون فوتبال عراق را از این حکم مستثنا کرد تا به صورت «مشروط»، تعلیق رفع گردد.

جالب آنکه امروز نه تنها فیفا بلکه برخی دیگر از فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی نیز همین رویه را در پیش گرفته‌اند. برای نمونه فدراسیون بین‌المللی دو میدانی (یاف)، الجزایر را به دلیل مداخله دولت در امور داخلی این رشته، از حضور در تمامی رقابت‌های بین‌المللی دو میدانی محروم کرد. وزارت ورزش الجزایر فدراسیون ملی این کشور را به مدت چهار سال به حالت تعلیق درآورده و کمیته داخلی تشکیل داده است. همین‌طور پس از دوپینگ ۹ ملی‌پوش وزنه‌برداری ایران، فدراسیون جهانی وزنه‌برداری ضمن محروم کردن تیم ایران از رقابت‌های جهانی، جریمه ۴۰۰ هزار دلاری برای فدراسیون وزنه‌برداری ایران در نظر گرفت.

۶- نتیجه‌گیری

۶-۱- ارزیابی

بیش و پیش از هر چیز برای تبیین موضوع نیاز بود به شرح مآقع پرداخته شود که در حد امکان با استفاده از منابع خبری و تحلیل حقوقی، وضعیتی که منجر به تأثیرگذاری فیفا بر حقوق داخلی ایران - به‌رغم میل مقامات سیاسی از جمله سازمان تربیت بدنی - گشت، تشریح شد. در حقیقت با پذیرش شرایط فیفا از سوی دولت ایران، این سازمان غیردولتی توانست بدون آنکه ضمانت اجرای

بین‌المللی به معنای اخص کلمه - یعنی تصمیم‌گیری برای دولت‌ها مثل آنچه شورای امنیت در اختیار دارد - و بی‌آنکه مبانی حقوقی کافی برای دخالت در روند تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری دولت ایران داشته باشد، با استفاده از ابزار افکار عمومی، خواسته‌های نسبتاً منطقی خود را محقق سازد. تغییرات مورد نظر فیفا - چه در مورد ایران و چه در سایر موارد - در ساختار و عملکرد فدراسیون‌های ملی که باید نهادهای غیردولتی و نماینده ملی فوتبال کشورشان در جهان باشند، تغییراتی در راستای منافع عمومی ورزش در جهان است. فیفا معتقد است استقلال سازمان‌های ورزشی از دولت‌ها و امور سیاسی می‌تواند به «پاک» ماندن ورزش و پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از آن کمک کند. خواسته‌های فیفا، نمی‌تواند سیاسی تلقی شود؛ زیرا برای مثال، این سازمان در ابتدای مطرح شدن اخراج ایران از جام جهانی به خاطر مسأله هسته‌ای، با چنین پیشنهادی قاطعانه برخورد کرد و پاسخ منفی داد. همچنین ایران، تنها کشوری نبوده، نیست و نخواهد بود که فیفا خواستار اعمال چنین تغییراتی در آن می‌شود؛ بلکه یونان، پرتغال، اسپانیا و بسیاری دیگر از کشورها نیز از هشدارها، تهدیدها و حتی اعمال مجازات‌های فیفا در امان نمانده‌اند. گرچه ممکن است گفته شود فیفا در برابر دخالت‌های دولتی در برخی کشورها که فوتبال مانند سایر شئون مدیریتی و اجتماعی در آنها به صورت غیردموکراتیک اداره می‌شود، سرسختی چندانی نشان نمی‌دهد؛ اما این امر شاید بیشتر ناشی از آن باشد که مقامات سیاسی آن کشورها به طور مستقیم یا آشکارا به دخالت‌هایی که ناقض استقلال حرفه‌ای و ذاتی یک سازمان غیردولتی باشد، اقدام نمی‌کنند و در مورد ایران نیز شاید اگر برکناری عجولانه رئیس فدراسیون پیش نمی‌آمد چنین واکنش تند و همراه با ضرب‌الاجلی از سوی فیفا دیده نمی‌شد.

۲-۶- دستاورد

تأثیر سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بر رفتار و حتی حقوق داخلی کشورها را می‌توان در گستره وسیع‌تری مورد مطالعه قرار داد که همان تأثیر آنها بر حاکمیت کشورهاست. در این میان، مهم‌ترین ابزار این سازمان‌ها برخورداری از حمایت افکار عمومی است و به نظر می‌رسد بدون برخورداری از چنین پشتوانه‌ای دولت‌ها همچنان این اقتدار را دارند که از منافع و تصمیمات خود دفاع نمایند؛ اما هنگامی که خواست مشروع افکار عمومی در همصدایی با سازمانی غیردولتی قرار می‌گیرد، دولت‌ها ناچار به عقب‌نشینی می‌شوند. امروز این الگوی رفتاری از سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری همچون عفو بین‌الملل دیده می‌شود که سعی دارند با اهمیت دادن به موارد نقض حقوق بشر و اطلاع‌رسانی درباره این موارد، نظر افکار عمومی را در داخل کشورها و حتی عرصه بین‌المللی

جلب نمایند؛ چنان که گاه «گزارش تخلفات ارائه شده توسط نهادهای خاص و گزارش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و مؤسسات خصوصی» به یک منبع اطلاعاتی برای نهادهای رسمی بین‌الدولی تبدیل می‌شود.^{۴۹} فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی نیز به‌خوبی از اهمیت و جایگاه ورزش در افکار عمومی و توجه خاص سیاسیون به آن آگاهند. بنابراین محرومیت ورزش یک کشور از رقابت‌های بین‌المللی و پیامدهای آن هزینه‌های سیاسی اجتناب‌ناپذیری خواهد داشت که آنها از آن احتراز خواهند نمود. در ایران نیز دقیقاً همین رویه و مدل اجرا شد. فیفا خواسته‌های خود را که صدرصد مغایر قوانین داخلی موجود - از جمله قانون مربوط به الحاق فدراسیون‌های ورزشی به قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی و پیامدهایی چون تصویب اساسنامه فدراسیون‌ها بدون در نظر گرفتن معیارهای فدراسیون‌های بین‌المللی، در نظر گرفتن صلاحیت برای دیوان عدالت اداری در صورت شکایت از تصمیمات داخلی فدراسیون‌ها و... - بود را به دولت ایران تحمیل نمود، زیرا مطمئن بود دولت حاضر نیست هزینه سیاسی تحریم فوتبال را پردازد. البته نمی‌توان مدعی شد فیفا در این رویکرد خود، خواسته‌ای سیاسی به دولت ایران تحمیل کرده یا از موقعیتش سوءاستفاده نموده است. زیرا آنچه مطرح شد بر مبنای مستندات مورد اشاره از اساسنامه فیفا درباره استقلال فدراسیون‌ها به عنوان سازمان‌های غیردولتی و عدم مراجعه باشگاه‌ها و بازیکنان به دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به مسائل ورزشی است و چیزی بیش از آن از دولت خواسته نشده است.

درباره اهمیت افکار عمومی باید این نکته را نیز اضافه نماییم که در صورت اخراج ایران از فیفا، این فرصت فراهم بود که ایران نیز مانند موناکو، کامرون جنوبی، سامپی و اوستیانا به «هیأت جدید فوتبال»^{۵۰} بپیوندد که سازمانی غیردولتی شبیه فیفاست با این تفاوت که هدف اصلی آن گرد آوردن کشورهای است که از عضویت فیفا محروم مانده‌اند^{۵۱} و مقر آن در شهر لیژ بلژیک است. اما واکنش افکار عمومی در ایران به چنین عضویتی یقیناً منفی بود زیرا عضویت در فیفا و رقابت با بهترین تیم‌های جهان مطابق استانداردهای یک سازمان بین‌المللی را حق خود می‌دانست؛ و همانگونه که قوانین بازی مثل تعداد بازیکنان، خطاها و مجازات‌ها و... نیز در همان سازمان تدوین می‌شود اما هیچکس این قوانین را «کاپیتولاسیون» یا مداخله در امور داخلی یک کشور نمی‌شناسد؛ رعایت استانداردهای ساختاری فیفا را نیز «مداخله» نمی‌داند، بلکه برعکس این دولت است که با نقض این

۴۹. محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۵۵.

50. New Football Board <<http://www.nf-board.com>>

<http://www.nf-board.com/statutes.htm> 2007-02-23

۵۱. ماده ۲ اساسنامه. نک:

استانداردها در امور داخلی فدراسیون‌ها دخالت کرده است و در چنین وضعی باید برای بازگشت روند عادی تلاش کرد.

بنابراین فیفا نیز از الگوی قدیمی سازمان‌های غیردولتی یعنی افکار عمومی استفاده می‌کند که هنوز در کنار مذاکره و گفتگو با دولتمردان، مهم‌ترین ابزار پیشبرد فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی است. فیفا می‌خواهد در اداره فوتبال جهان، همچنان انحصاری اما با مشارکت و استقلال همه فدراسیون‌های عضو عمل کند. دخالت دولت‌ها، چنین مشارکت و استقلالی را مخدوش می‌کند و بعید نیست ورزش را به کدام بیراهه بکشاند؛ بنابراین درخواست‌های فیفا اگرچه غیرحقوقی و ناهماهنگ با نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی جلوه می‌کند اما منطقی است و با اصلاح قوانینی که مداخله دولت در نهادهای غیردولتی و ورزشی را تجویز می‌کنند، فیفا به این هدف خود دست می‌یابد. در واقع فیفا، قوانین مجوزدهنده دخالت دولت در فوتبال را غیرعادلانه می‌داند و با ابزارهای خود با آن به مبارزه می‌پردازد. آنچه روی داده است را نمی‌توان یک صلاحیت تقنینی بین‌المللی برای سازمانی غیردولتی دانست؛ بلکه این تنها تلاشی برای حفظ استقلال و عدم مداخله دولت‌ها در امور این سازمان‌هاست. فیفا نمی‌خواهد در امور داخلی کشورها دخالت کند بلکه می‌خواهد دولت‌ها در امور داخلی فوتبال دخالت نکنند. بنابراین هنوز نارواست که از واژه «دخالت» برای عملکرد فیفا در کشورها بهره ببریم؛ گرچه این تلاش برای حفظ استقلال، در مواردی که مخدوش می‌شود؛ خواه‌ناخواه بر اراده دولت‌های مداخله‌گر تأثیر می‌گذارد. این تأثیر از آن جهت که باید «بازگشت به وضع عادی» تفسیر شود، محدودتر از آن است که بتوان آن را قانون‌گذاری بین‌المللی نامید؛ زیرا در مواردی که دولت دخالتی در فوتبال ندارد، فیفا دلیلی برای استفاده از ضمانت اجرای مخصوص خود ندارد و نه می‌خواهد و نه می‌تواند اثر عمیقی بر حقوق داخلی کشورها بگذارد. با وجود این، توانایی مجازات یک دولت مداخله‌گر برای بازگشت به وضع عادی، نشان از قدرت سازماندهی سازمان‌های غیردولتی است که ممکن است در آینده به‌ویژه با استفاده از ابزار افکار عمومی، تأثیر بیشتری بر حقوق داخلی کشورها بگذارد و در نتیجه سبب ایجاد نوعی هماهنگی در قوانین ملی شود. زیرا چنین عملکردی از یک سازمان غیردولتی، خواه ناخواه بخشی از فرآیند «جهانی شدن حقوق» نیز محسوب می‌گردد. بدین ترتیب که اگر هنجارهای حقوقی «استقلال سازمان‌های غیردولتی» و «عدم مداخله دولت‌ها در سازمان‌های غیردولتی» را قواعد حقوقی شناسایی شده توسط این سازمان‌ها - مثل فیفا - بدانیم، آنگاه این عملکرد و رویه موجود، سبب گسترش و تکثیر این هنجارها در سطح جهانی می‌گردد.

فهرست منابع

۱. بیگزاده، ابراهیم، «تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۱۵، تیر ۱۳۷۴.
۲. بیگزاده، ابراهیم، «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۲، دی ۱۳۷۹.
۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، قومس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفدهم، ۱۳۸۱.
۵. قربان‌نیا، ناصر، «شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی» در:
<http://www.hawzah.net/Per/Magazine/NM/014/nm01403.asp> 2008-02-25
۶. کتیریان، کیوان، و سمیه قاضی‌زاده، *کتاب جام جهانی فوتبال*، آنبه‌نما، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷. گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در خصوص لایحه نحوه فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در کشور، مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، سال اول، شماره چاپ ۲۱۶، شماره دفتر ثبت ۱۷۷، تاریخ چاپ ۱۳۸۳/۵/۱۲.
۸. مقامی، امیر، رویایی در تعلیق، *روزنامه اعتماد ملی*، ۱۴ آذر ۱۳۸۵.
۹. مهرپور، حسین، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۰. موسی‌زاده، رضا، *سازمان‌های بین‌المللی*، میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۱۱. هاشمی، محمد، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
12. Gilson, Eric T., Exploring the Court of Arbitration for Sport, *Law Library Journal*, 2006, Vol. 98, No. 3.
13. <http://fifa.com/en/media/index/0,1369,126229,00.html?articleid=126229> - 2006-12-09
14. <http://www.fifa.com>
15. <http://www.hawzah.net/Per/Magazine/NM/014/nm01403.asp> 2008-02-25
16. <http://www.hoqouq.com/law/article464.html> 2007-02-21
17. <http://www.nf-board.com>
18. <http://www.nf-board.com/statutes.htm> 2007-02-23
19. http://www.servas.org/siexco/images/0/07/The_Swiss_Civil_Code_in_English.pdf
20. <http://www.uia.org/legal/app411.php> 2007-02-21
21. <http://www.uia.org/uia/profilen.php> 2007-02-18
22. Subjectivity in International Law, Grasimos Furlanos, 53 *Nordisk Tiddsskrift int'l Ret*, 9, 1984.
23. The International Relations Dictionary, No. 417.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 2

Articles

- The ICC and Issue of Arrest Warrant for *Al Bashir*
- Homicide or Injury in Battle
- Research & Development in Nanotechnology and Right to Health
- Challenges of the Concept of “Combatant” in International Humanitarian Law
- Merging Commercial Companies in the Iranian Laws
- Sanction against Iranian Aviation: An Approach to the Chicago Convention

Special Issue: Challenges of Real Estate Transactions in the Iranian Legal System

- The Role of Official Documents in Real Estate Transactions
- Role of Notaries Public in Regulating Real Estate Transactions and its Legal Vacuums
- Deficiencies Caused by the Insertion of Regional rather than Actual Prices
- Advance Selling of Flats: Legal Nature and Working Procedures for Official Registrations
- Proving the Claim of Ownership: A Legal Analysis

Critique: The Draft of Iranian Commercial Code

- The Method of the Drafting the Commercial Code
- The 2005 Cabinet Draft to Modify the Commercial Code
- The 1-6 Chapters of the Commercial Draft
- The 5 & 7 Chapters of the Commercial Draft
- Independent Guarantees in the Provisions of the Commercial Draft
- Merging Companies in the Commercial Draft

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study